

پیام
دبیر کل
حزب...



نگاهی
اجمالی
به ...



آیا روحانی
ساقی جام
زهر است؟



اجلاس
قطر و
دوستان ...



مسئولین
رده بالای
رژیم...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۶۰۸ شنبه، ۱۵ تیر ۱۳۹۲، ۶ ژوئیه ۲۰۱۳، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

سلفن

ناهدید حسینی

فرهنگ ترور

نام جمهوری اسلامی و پدیده ترور دولتی آنچنان به هم گره خورده‌اند که بحث در مورد هر کدام از آن‌ها، ناخودآگاه یادآور دیگری خواهد بود. اگر از جنبه‌ی تاریخی پدیده ترور به عنوان یک ابزار جهت رسیدن به برخی اهداف سیاسی در ایران صرف نظر کنیم، ترور به عنوان یک فرهنگ نهادینه شده‌ی سیاسی میراث به جای مانده از سازمان فدائیان اسلام برای خمینی بود، اما وی جانی نو به آن فرهنگ بخشید و به ترور به عنوان ابزاری در دست قدرت، مشروعیت بخشید. ترور و حذف فیزیکی افراد به بخشی اساسی از فرهنگ جمهوری اسلامی تبدیل گردید و به صورتی گسترده از سوی رژیم علیه مخالفان و منتقدان خود به کار گرفته شد.

مشروعیت ترور از منظر جمهوری اسلامی به دیدگاه‌های این رژیم در رابطه با افشاندن بذر انقلاب اسلامی در تمام جهان و عدم وجود هرگونه مرزی برای اثبات توانایی‌های هواداران رژیم در پیشبرد منافع و اهداف ولایت مطلقه فقیه باز می‌گردد. از این منظر، هر شخص یا جریانی که به گونه‌ای با ایران ارتباط داشت، اما با افکار و دیدگاه‌های خمینی در رابطه با شیوه‌ی حکومتداری موافق نبود، می‌بایستی کنار زده می‌شد. به همین دلیل، تمامی دستوراتی که خمینی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ جهت حذف منتقدین صادر نمود، می‌بایستی به هر قیمتی و در هر مکانی که فرصتی برای عمال رژیم فراهم می‌شد، اجرا می‌گردید. علاوه بر فرهنگ ترور، فرهنگ نیرنگ و تزویر یکی از ارکان فکری جمهوری اسلامی می‌باشد که در راستای صیانت از منافع و اهداف خویش، به آن پناه برده و از دین به عنوان ابزاری جهت سرپوش گذاشتن بر این گونه افکار و اعمال خویش استفاده می‌کند.

این پدیده در فلسفه‌ی سیاسی و دینی رژیم به حدی ریشه دوانده است که آشکارا از آن سخن به میان می‌آید و برای فریب مردم جهت تأیید این گونه افکار و عقاید، از ده‌ها حدیث و روایت دروغین منتسب به امامان و امامزاده‌های ساختگی ولی فقیه استفاده می‌شود. ترور دکتر قاسملو و همراهانش که ۲۴ سال قبل، در تیرماه ۱۳۶۸ به دست تروریست‌های جمهوری اسلامی در شهر وین پایتخت اتریش انجام گرفت، بارزترین نمونه‌ی پیوند میان فرهنگ ترور، تزویر و دروغ و رواج این فرهنگ دهشتناک در سطوح بالای حکومت در جمهوری اسلامی می‌باشد.

خروش تحریر، مرسی را سرنگون کرد



و دیگر شهرهای مصر تا پاسی از شب به جشن و پایکوبی پرداختند و از اقدام ارتش حمایت کردند. به دنبال آن، در بامداد پنج‌شنبه (۱۳ تیر/۴ ژوئیه) عدلی محمود منصور، رئیس دادگاه قانون اساسی به عنوان رئیس جمهور موقت مصر سوگند یاد کرد. نیروهای نظامی تأیید کردند که پس از خلع ید از مرسی، وی تحت نظر قرار دارد.

خود هستند، بر پایه وظیفه ملی خود پاسخ داد. پاپ کلیسای قبطی مصر اعلام کرد، نقشه‌ی راه ارتش، سلامت وطن و شهروندان را تضمین می‌کند. شیخ الازهر، حزب سلفی نور، جنبش ترمرد و محمد البرادعی، حمایت خود را از «نقشه راه» مطرح شده، اعلام کردند. پس از این بیانیه، صدها هزار نفر از مخالفان دولت نیز در قاهره، اسکندریه

ارتش با اعلام ضرب‌الاجل ۴۸ ساعته هشدار داده بود در صورت پایان این مهلت، «نقشه راهی» برای آینده کشور وضع خواهد کرد. محمد مرسی این ضرب‌الاجل را نپذیرفت و خواستار صرف‌نظر کردن ارتش آن شد. عبدالفتاح السیسی تأکید کرد که ارتش قصد نزدیک شدن به سیاست را ندارد اما به ندای مردم که خواهان حمایت از وطن و انقلاب

ارتش مصر شامگاه چهارشنبه ۱۲ تیر محمد مرسی را از ریاست جمهوری برکنار کرد و قانون اساسی را به حال تعلیق درآورد. این تصمیم به دنبال تظاهرات صدها هزار نفر از مخالفان مرسی، به ویژه در میدان تحریر قاهره با خواست کناره‌گیری او از قدرت، با قرائت بیانیه‌ای توسط ژنرال عبد الفتاح السیسی، فرمانده کل نیروهای مسلح مصر به اطلاع مردم رسید.

وزیر اطلاعات اسرائیل: روحانی "گرگی در لباس میش" است

یووال اشتاینیتز، وزیر اطلاعات اسرائیل، اروپا را از دست‌کم گرفتن حسن روحانی و خوشبینی به وی برحذر داشت. اشتاینیتز در گفتگو با روزنامه آلمانی "فرانکفورتر آلمگامنه" عنوان کرده که هرچند ادبیات احمدی‌نژاد و حسن روحانی با یکدیگر فرق دارد، اما اسرائیل در عمل تفاوتی میان این دو قائل نیست. وزیر اطلاعات اسرائیل گفته است که احمدی‌نژاد "گرگی در لباس گرگ" بود اما روحانی به عنوان یک حقوقدان و دیپلمات، می‌تواند نقش "گرگی در لباس میش" را ایفا کند. اشتاینیتز به عنوان نمونه به بحث تعلیق غنی‌سازی توسط ایران در سال ۲۰۰۳ و زمان مسئولیت روحانی در مذاکرات با غرب اشاره کرده و گفته که جمهوری

اسلامی عملاً از فرصت تعلیق موقت، برای تقویت ساختارهای برنامه هسته‌ای خود و افزایش سانتریفیوژهایش استفاده کرد. شاهد این مدعا به نظر وزیر اطلاعات اسرائیل، سخنان روحانی در طول مبارزات انتخاباتی‌اش است که در پاسخ به اتهام سازشکاری در پرونده هسته‌ای، همواره گفت که تعلیق موقت مانع غنی‌سازی نشد. یووال اشتاینیتز پیش از این نیز به رسانه‌های اسرائیلی گفته بود که ایرانی‌ها به خط قرمز تنبیه‌ها بسیار نزدیک می‌شوند زیرا حدود ۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۲۰ درصد در اختیار دارند. او گفته بود وقتی آن‌ها ۲۵۰ کیلو اورانیوم با این غلظت داشته باشند، خواهند توانست اورانیوم با غلظت ۹۰ درصد تولید کنند.

استانبول،

میزبان مخالفان بشار اسد

میشل کیلو، مخالف شناخته شده دمشق، از جمله نامزدها هستند. مخالفان همچنین اعلام کرده‌اند در اجلاس ژنو-۲ که قرار است با حمایت آمریکا و روسیه برگزار گردد، شرکت نخواهند کرد. این جلسه در حالی برگزار شده که رژیم دمشق با حمایت گروه حزب الله لبنان از روز دوشنبه‌ی گذشته، حملاتی را علیه شهر استراتژیک حمص در مرکز سوریه آغاز کرده و ارتش دولتی، دمشق و حومه را تحت حملات هوایی قرار داده است. در همین حال، روز جمعه چین و روسیه در سازمان ملل قطعنامه‌ای را وتو کردند که هدف از آن ارسال کمک‌های انسانی و ستانه به مردم حمص بود.

اتلاف مخالفان بشار اسد، رئیس جمهور سوریه، روز پنجشنبه در استانبول تشکیل جلسه داد تا اعضای رهبری جدید این ائتلاف را انتخاب کند. مخالفان تلاش دارند در برابر پیشروی‌های نظامی رژیم دمشق، جبهه واحدی را تشکیل دهند. خبرگزاری فرانسه در گزارشی از استانبول می‌گوید، پنج عضو عمده‌ی مخالفان، خود را برای جانشینی معاذ الخطیب، که در ماه مارس گذشته از رهبری ائتلاف استعفا داد، نامزد کرده‌اند.

برهان غلیون، رئیس پیشین شورای ملی سوریه، جورج صبرا، رئیس موقت ائتلاف مخالفان، مصطفی الصباغ، منشی و لویی صافی، یک تن از سخنگویان کنونی این ائتلاف و بالاخره احمد اسی جارباز از گروه

حضور هیأت حدکا در جشن سالگرد استقلال آمریکا در اربیل



هیأت حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی مصطفی هجری، دبیر کل حزب به دعوت رسمی کنسولگری آمریکا در اربیل، در جشن دویست و سی و هفتمین سالگرد استقلال و روز ملی این کشور شرکت نمود.

به گزارش کوردستان میدیا، در این مراسم که روز چهارشنبه ۱۲ تیرماه برگزار شد، هیأت حزب از جانب نمایندگان سیاسی آمریکا به گرمی مورد استقبال قرار گرفت.

این مراسم با اجرای سرود ملی آمریکا، عراق و سرود ملی کردستان (ای رقیب) آغاز گردید، سپس گزارش سیاسی مربوط به کار و فعالیت‌های کنسولگری آمریکا در اقلیم کردستان و خدمات سیاسی و اقتصادی آن قرائت گردید.

بخش دیگری از مراسم به اعلام تغییرات در کادر نمایندگی سیاسی آمریکا در اقلیم کردستان و معرفی کنسول جدید این کشور به حاضران اختصاص یافت. مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان

نیز ضمن پذیرش کنسول جدید آمریکا، از خدمات کنسول پیشین تقدیر به عمل آورد.

سپس فلاح مصطفی، مسئول دفتر روابط خارجی حکومت اقلیم کردستان به نمایندگی از رئیس حکومت اقلیم، طی سخنانی به تقدیر از نقش کنسول پیشین ایالات متحده در روابط و همکاری‌های

دوجانبه و خبر مقدم به کنسول جدید این کشور پرداخت.

هیأت حزب دمکرات به سرپرستی مصطفی هجری، دبیر کل حزب در حاشیه‌ی این مراسم با تنی چند از شخصیت‌های سیاسی و دوستان با سابقه‌ی حزب دیدار و گفتگو نمود.

حضور نماینده‌ی حدکا در سمیناری در شهر کویه به مناسبت هفته‌ی فرهنگ



در شهر "کویه" اقلیم کردستان از سوی سازمان "نویکار" و اتحادیه‌ی جوانان دمکرات کردستان ایران سمیناری تحت عنوان "هفته‌ی فرهنگ" برگزار گردید و نماینده‌ی حزب دمکرات یکی از سخنرانان سمینار بود.

"طاهر محمودی" عضو کمیته‌ی مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران به عنوان یکی از سخنرانان این سمینار، سخنانی در رابطه با انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران و نتایج آن برای شرکت‌کنندگان در مراسم ایراد کرد.

ایشان عنوان کرد: " این انتخابات در حالی برگزار شد که شمار زیادی از جریانات و احزاب سیاسی، این نمایش را تحریم کرده و آنچه که پس از انتخابات پیش‌بینی می‌شد، این بود که بسیاری از سؤالات را بدون پاسخ گذاشت و تحلیل‌های متفاوتی را در پی داشت."

«محمودی» افزود: "بر اساس اسناد و آمار مراکز مرتبط با رژیم ایران، نزدیک به بیست میلیون نفر این انتخابات را تحریم کرده بودند و رژیم هم وانمود می‌کند که بسیاری از مردم در این

انتخابات شرکت کرده‌اند."

«طاهر محمودی» همچنین افزود: "رژیم ایران بدون حضور نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی، انتخابات را برگزار کرد و استانداردها و معیارهای بین‌المللی را در نظر نگرفته و به نمایندگان خارجی اجازه داده نشده بر صندوق‌های رای نظارت کنند و فرایند رأی‌گیری توسط رسانه‌ها به صورت آزادانه منعکس و پخش نشد."

در همین رابطه و در ادامه‌ی سمینار، "ناصر سیمایی" از اساتید دانشگاه، سخنانی در رابطه با "تاثیرات مواد مخدر" مطرح ساخت.

سازمان نویکار و اتحادیه‌ی جوانان دمکرات کردستان ایران که برگزار کننده‌ی اصلی این سمینار بودند، نمایندگان حزب دمکرات و اتحادیه‌ی زنان دمکرات کردستان ایران را رسماً به این کنفرانس دعوت کرده بودند.

قطع آب در کرمانشاه و ایلام و بی‌توجهی مسئولین در این رابطه



قطع آب به مدت ۶ ساعت در روز به معضلی برای شهروندان کرمانشاه و ایلام تبدیل شده است و مسئولین مربوطه در این رابطه بی‌توجه هستند.

آب آشامیدنی در خیابان "خیام" کرمانشاه روزانه بیش از ۶ ساعت قطع می‌شود و هیچ یک از نهادهای و سازمان‌های رژیم در این رابطه جوابگوی شهروندان نیستند.

روز یکشنبه نهم تیرماه، شمار زیادی از شهروندان نسبت به بی‌توجهی مسئولین، تجمعی اعتراضی برگزار کردند.

این تجمع در مقابل اداره‌ی آب و فاضلاب شهر کرمانشاه برگزار گردید و شهروندان خواستار رفع کمبود آب در این شهر شدند.

در همین رابطه، شهروندان برخی محله‌های شهر ایلام مانند "جانبازان" و "شهرک هجرت" نسبت به قطع آب در طول روز معترض هستند.

یکی از شهروندان ایلامی می‌گوید، فقط

در ساعات اولیه‌ی شب آب داریم و در دیگر ساعات شبانه‌روز به ویژه صبح، از داشتن آب محرومیم که موجب بروز مشکلات زیادی برای ما شده است. این شهروند همچنین گفته است: "اگر قرار است آب در مناطق مختلف و در ساعات خاصی قطع شود باید قبل از آن اطلاع‌رسانی شده و طوری برنامه‌ریزی

شود که زندگی روزمره مردم مختل نشود اما مسئولین در این رابطه، نه تنها هیچ گونه اطلاع‌رسانی نکرده، بلکه هر از چند گاهی آب را قطع می‌کنند." تاکنون نیز اقدامات لازم جهت رفع این مشکل از سوی مسئولین و نهادهای رژیم ایران صورت نگرفته است.

دیدار نمایندگی سازمان ملل متحد از دفتر سیاسی حدکا



با دولت ترکیه، مشکل رژیم ایران با غرب و روی کار آمدن "حسن روحانی" رئیس‌جمهور جدید رژیم ایران به بحث و تبادل نظر پرداختند.

هیأت سازمان ملل متحد در رابطه با اپوزیسیون ایران و نقش سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، مبارزات ملیت‌های ایران و نقش کنگره‌ی ملیت‌های ایران فدرال مباحثی را مطرح کردند.

"مصطفی هجری" دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران ضمن بیان سیاست‌ها و مواضع حزب در رابطه با مسائل مورد بحث، به سؤالات هیأت مهمان در این رابطه پاسخ داد.

هیأت سازمان ملل متحد از دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرد و از سوی دبیر کل حزب مورد استقبال قرار گرفت.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، "سوکول کوندی"، مسئول دفتر سازمان ملل در اقلیم کردستان و "برایان فیتو" از اعضای دبیرخانه این سازمان در نیویورک و بخش امور سیاسی در خاورمیانه و غرب آسیا در دیدار از دفتر سیاسی حزب دمکرات مجموعه‌ای مباحث و مسائل را بررسی کردند.

طرفین در این نشست، در رابطه با وضعیت سیاسی ایران، خاورمیانه، سوریه، عراق، فرایند گفتگوی PKK

کتاب "اندیشه‌های قاسملو درباره دمکراسی برای ایران کثیرالمله" منتشر گردید



کتاب "اندیشه‌های قاسملو درباره دمکراسی برای ایران کثیرالمله" توسط کمیته‌ی انتشارات اتحادیه دانشجویان دمکرات کردستان ایران چاپ و منتشر شد.

کتاب " اندیشه‌های قاسملو درباره دمکراسی برای ایران کثیرالمله" تألیف "علی منظمی" است که در سال ۲۰۱۱ به زبان انگلیسی چاپ شده بود.

این کتاب توسط "گیهان یوسفی" دبیر

اتحادیه‌ی دانشجویان دمکرات کردستان ایران به زبان فارسی برگردانده شده و کمیته‌ی انتشارات اتحادیه‌ی دانشجویان آن را چاپ و منتشر کرده است.

این کتاب مشتمل بر ۱۶۸ صفحه می‌باشد و به بحث درباره‌ی اندیشه‌های قاسملو در رابطه با دمکراسی برای ایران به عنوان یک کشور کثیرالمله می‌پردازد.

کاسبکاران کرد در "نوسود" هدف گلوله نیروهای رژیم قرار گرفتند

کاسبکاران کشته شده‌اند و همچنین وسایل و اجناس کاسبکاران نیز از سوی نیروهای رژیم ضبط شده‌اند.

چند روز پیش نیز، نیروهای مستقر در هنگ مرزی "نوسود" در استان کرمانشاه به منظور ضبط اجناس کاسبکاران این منطقه وارد روستای "نیسانه" شده و به شهروندان این روستا بی‌احترامی کرده بودند.

این اقدام به درگیری میان ساکنان این روستا و نیروهای رژیم منجر شده بود.

نیروهای انتظامی رژیم ایران در مناطق مرزی نوسود، کاسبکاران کرد را هدف گلوله قرار دادند که بر اثر آن، چندین رأس از اسب‌های کاسبکاران کشته شده و اموال آنان نیز توقیف گردید.

روز دوشنبه دهم تیرماه سال جاری، کاسبکاران اهل نوسود در محلی به نام "قلاگاه" از مناطق مرزی این شهر، هدف گلوله مستقیم نیروهای نظامی رژیم قرار گرفتند.

در نتیجه این یورش، چندین رأس اسب

سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

بهار حسینی برنده‌ی جایزه‌ی شعر "کوال"

بخش شعر جشنواره ادبی "کوال" که در روزهای ۱۲ و ۱۳ تیرماه سال جاری برگزار شد، مقام اول را کسب نمود. همچنین جایزه مقام سوم در این بخش به "گمال امینی" دیگر شاعر کردستان ایران اهدا گردید.

در بخش داستان‌نویسی نیز "امجد غلامی" از داستان‌نویسان کردستان ایران، موفق به کسب مقام دوم شد. "بهار حسینی" دختر مرحوم "ژیلا حسینی" از شاعران نامدار و موفق کردستان ایران، سال ۱۳۶۲ در شهر سقز متولد شده و چندین سال است که در اقلیم کردستان منغول به فعالیت ادبی و فرهنگی می‌باشد.

کشته و زخمی شدن ۴ شهروند کرد

بر اثر شلیک مستقیم نیروهای رژیم

"عثمان" جان خود را از دست داده و دو برادر دیگر "نازدار" به نام رزگار و جلال زخمی شدند. تا لحظه‌ی انتشار این خبر، اجساد کشته‌شدگان به خانواده‌های آنان تحویل داده نشده است.

بر اساس آخرین اطلاعات، وضعیت سلامتی یکی از زخمی‌شدگان بسیار وخیم اعلام شده است.

بر اساس امار ثبت شده در وب‌سایت کوردستان میدیا، از آغاز تیرماه علاوه بر این چهار شهروند اهل "ثلاث باباجانی"، سه کولبر کرد دیگر در مناطق مرزی کردستان با شلیک مستقیم نیروهای رژیم ایران کشته و زخمی شده‌اند.

یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران، موفق به کسب جایزه ی جشنواره "کوال" اقلیم کردستان شد.

به گزارش کوردستان میدیا، "بهار حسینی" عضو حزب دمکرات و از شاعران موفق کردستان ایران، در میان ۱۱۸ شاعر و داستان‌نویس حاضر در جشنواره "کوال" اقلیم کردستان توانست مقام اول را به خود اختصاص دهد.

در این جشنواره ۱۱۸ شاعر و ۲۰ داستان‌نویس حضور داشتند که از سوی هیأت داوران این جشنواره، ۱۵ شعر و ۶ داستان برای بخش رقابت انتخاب شدند.

"بهار حسینی" شاعر کردستان ایران، در

یک کولبر و سه شهروند کرد با شلیک نیروهای نظامی رژیم ایران کشته و زخمی شدند.

به گزارش کوردستان میدیا، آزاد(نازدار) مرادی، کولبر کرد و اهل منطقه‌ی "انجیر بوسی" از توابع "ثلاث باباجانی" در منطقه‌ی مرزی باینگان هدف گلوله نیروهای نظامی رژیم قرار گرفت و جان خود را از دست داد.

در همین رابطه، دو برادر آزاد و یک شهروند دیگر اهل "ازگلگه" به منظور پیگیری علت کشته‌شدن "آزاد" به پاسگاه "ازگلگه" رفتند، اما نیروهای رژیم آنان را هدف گلوله قرار دادند که در نتیجه، یکی از شهروندان به نام

برگزاری اولین

جشنواره "نی‌نوازی"

در شهر بوکان

جشنواره‌ی "نرمه نی" با حضور شماری از هنرمندان کردستان در شهر بوکان برگزار شد.

به گزارش کوردستان‌میدیا، اولین روز جشنواره "نی‌نوازی" در شهر بوکان با حضور شمار زیادی از هنرمندان کردستان برگزار شد و از سوی مردم به گرمی مورد استقبال قرار گرفت.

این جشنواره روز سه‌شنبه ۱۱تیرماه آغاز به کار نمود و تا دو روز ادامه داشت.

در این جشنواره افراد برتر از طرف هیأت داوری انتخاب شده و جوایزی دریافت کردند.

کشته شدن یک دختر

دانشجو در کرماشان

یک دختر دانشجوی بیست ساله توسط بستگانش به قتل رسید.

"دنیا میری" دانشجوی کرماشانی چند روز پیش توسط بستگان نزدیک خود مورد ضرب و شتم قرار گرفت و به همین دلیل جان خود را از دست داد.

منابع محلی گزارش دادند، پدر این دختری، به قتل رساندن فرزندش را تأیید کرده است و در همین رابطه عنوان کرد، "دنیا میری" برای مدتی در خانه محبوس بود و وابستگی‌اش به وی اجازه نمی‌دادند از منزل خارج شود.

همین منابع محلی منتشر کردند، پدر "دنیا میری" به صورت مستمر از ادامه تحصیل وی مانعت کرده و به همین علت وی مورد خشونت و ضرب و شتم قرار گرفته است.

جنگل‌های کردستان همچنان در آتش می‌سوزند

(گاگل، نژمار، بیله، گوشخالی، سروآباد و پشت محله‌ی دارسیران).

در همین رابطه، یکی از شهروندان به کوردستان میدیا گفت: "این آتش‌سوزی از سوی افراد وابسته به رژیم صورت گرفته است."همزمان مراکز مرتبط رژیم تاکنون برای کنترل این آتش‌سوزی هیچ اقدامی را انجام نداده و طی سه ماه گذشته ۴۰ حالت آتش‌سوزی به‌وقوع پیوسته است.

در حالی که تنها "انجمن سبز چیا" که سازمانی مدنی و طرفدار محیط زیست می‌باشد، برای مهار آتش‌سوزی فعالیت می‌کند، اما نیروهای امنیتی رژیم به صورت مستمر در تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در بین اعضای انجمن هستند و از فعالیت آنان ممانعت بعمل آورده و به آنها ابلاغ می‌کنند که از کنترل‌کردن آتش‌سوزی دست بردارند. در گزارش‌های مختلفی که طی سال‌های

مرگ یک کارگر کرد بر اثر حادثه

بر اساس این گزارش، این کارگر کرد به دلیل عدم تأمین ایمنی لازم از سوی کارفرمایان و فقدان وسایل استاندارد، به داخل دستگاه سنگ‌شکن افتاده و پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داده است.

"امجد چشمه‌سبی" ساکن روستای "کانی کوه" در ۱۰ کیلومتری جاده‌ی کامیاران – کرمانشاه بود.

شرکت "ساشا بتون" سازنده بتون آماده، تیرچه و بلوک و همچنین سایر

شرکت هیأت حدکا در مراسم یادبود

جانباختگان یارسان در کانادا



کردستان در این مراسم شرکت داشتند و همدردی و پشتیبانی خود را از مردم یارسان اعلام کردند.

« مجید بالانی » به نمایندگی از حزب دمکرات کردستان ایران و حزب کومله‌ی کردستان ایران پیامی قرائت نمود و بار دیگر همدردی و پشتیبانی کومله و حزب دمکرات را از هم‌میهنان یارسان اعلام کرد.

توقیف بیش از ۲۰۰ رأس از دام‌های یک شهروند

کرد توسط نیروهای رژیم

نیروهای هنگ مرزی رژیم در شهرستان پیرانشهر، بیش از ۲۰۰ رأس از دام‌های یکی ازشهروندان این منطقه را توقیف کردند.

یکی از شهروندان کرد منطقه‌ی مرزی پیرانشهر که دام‌های خود را به منظور چرا به ارتفاعات این منطقه برده بود، با یورش نیروهای رژیم روبه‌رو شد و این نیروها دام‌های وی را مصادره نمودند.

نیروهای هنگ مرزی به بهانه‌ی قاچاق، این دام‌ها را ضبط و در همین رابطه و به

جنگل‌های اطراف شهر "نوسود" توسط افراد ناشناس به آتش کشیده شد و همچنین آتش‌سوزی جنگل‌های مریوان و روستاهای اطراف نیز روز به روز در حال افزایش می‌باشد.

به گزارش کوردستان میدیا، روز سه‌شنبه یازدهم تیرماه ۱۳۹۲، جنگل‌های اطراف شهر نوسود و به ویژه سلسله‌کوه‌های "شرام" واقع در اطراف روستای "هانی‌گرمیله" توسط فرد با افراد ناشناسی به آتش کشیده شد و بیشتر جنگل‌ها در آتش سوختند.

همچنین به آتش کشیدن جنگل‌های مریوان و روستاهای اطراف روزبه‌روز در حال افزایش است و تاکنون صدها هکتار از جنگل‌ها و پوشش گیاهی این شهر در آتش سوخته‌اند و برای از بین بردن طبیعت این شهر تلاش می‌شود. روستاهایی که جنگل‌ها و پوشش گیاهی آنها به آتش کشیده شده‌اند، عبارتند از:

یک کارگر کرد اهل کامیاران، در شرکت سازنده‌ی بتون "ساشا"، به داخل دستگاه سنگ‌شکن افتاده و پس از انتقال به بیمارستان جان خود را از دست داده است.

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، "امجد چشمه‌سبی" کارگر شرکت ساشا، سازنده بتون آماده و تیرچه و بلوک و قطعات بتونی بر اثر حادثه در حین کار، جان خود را از دست داد.

وضعیت راه و مسکن استان کردستان، بخصوص جاده‌های بین‌شهری و روستایی بسیار نامناسب و دچار مشکلات متعددی می‌باشد.

نمایندگان مجلس استان کردستان، طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر راه و شهرسازی، وضعیت راه‌های ارتباطی بخصوص روستایی و همچنین مسکن استان کردستان را اسفناک توصیف نموده و اعتراض خود را نیز نسبت به این وضعیت اعلام کرده‌اند. آنان در این نامه اعلام کرده‌اند که راه‌های ارتباطی استان کردستان، به ویژه راه‌های روستایی، دچار مشکلات فراوانی هستند که نیازمند توجه مسئولین و بازسازی و مرمت می‌باشند.

در نامه‌ی نمایندگان شهرهای سنندج، کامیاران، سقز، بانه، دیواندره، بیجار، قروه

سهم استان کردستان از آسفالت راه‌های

روستایی در رده‌های آخر کشور است

و دهگلان در مجلس آمده است: "برای جلوگیری از نارضایتی جدی هر چه بیشتر مردم، بازسازی راه‌های ارتباطی استان کردستان امری ضروری می‌باشد".

در این نامه تأکید شده است که استان کردستان از لحاظ آسفالت راه‌های روستایی در رده‌های آخر کشور می‌باشد.

میانگین آسفالت راه‌های روستایی در کردستان بسیار پایین‌تر از میانگین کشوری می‌باشد و در شهر سقز، تنها ۲۷ درصد راه‌های روستایی آسفالت شده‌اند. در رابطه با مسکن مهر نیز در این نامه اشاره شده است که قیمت مسکن مهر در استان کردستان، در برابر استان‌ها همسایه می‌باشد و این نیز باعث ایجاد وضعیتی نامناسب شده است.

جاده‌های کردستان همچنان قربانی می‌گیرند

در محور میاندوآب– مهاباد در نزدیکی بازار هفتگی "امیرآباد" ساعت ۸ صبح به وقت تهران رخ داده است و ۶ نفر از مسافران جان خود را از دست دادند.

افزایش خودرو، پایین بودن ایمنی خودروها و عدم برخورداری جاده‌های ایران از استانداردهای لازم از دلایل اصلی تصادفات می‌باشد.

این در حالی است که مسئولین رژیم ایران عنوان می‌کنند که اشتباهات رانندگی، اصلی‌ترین علت تصادفات در ایران است و استاندار نبودن جاده و خودرو در ردیف دوم و سوم قرار دارند.

سازمان بهداشت جهانی، ایران را جزء ۵ کشور اول دارای جاده‌های مرگبار (وضعیت قرمز) توصیف کرده که به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، ۳۴.۱ نفر مرگ و میر دارد.

۸ شهروند به علت تصادف رانندگی در جاده‌ی سقز – بانه جان خود را از دست دادند.

بر اثر برخورد یک دستگاه سواری "ال ۹۰" با یک دستگاه تریلر ماک در جاده‌ی سقز – بانه تمام سرنشینان سواری "ال ۹۰" که دو مرد، دو زن و چهار بچه بودند، بلافاصله کشته شده‌اند.

خبرگزاری ایسنا گزارش داد که این تصادف ساعت ۱ بامداد روز سه‌شنبه یازدهم تیرماه در جاده اصلی سقز – بانه رخ داده است. تا لحظه‌ی انتشار این خبر، هویت قربانیان ناشی از این تصادف نامعلوم است.

در همین رابطه، روز دوشنبه دهم تیرماه، تصادف در جاده‌ی میاندوآب – مهاباد، ۶ تن را به کام مرگ فرستاد.

آژانس خبررسانی کردپا گزارش داد، این تصادف بر اثر برخورد ۳ خودروی سواری

و جلساتشان با مردم در هر مکانی، خطرات افتادن در دام اعتیاد و مواد مخدر و مضرات آن را از منظر دینی و اجتماعی توضیح دهند و در این راه خستگی ناپذیر باشند.

و اما بخش دوم این وظیفه‌ی خطیر، شامل کمک به افرادی است که به این بیماری دچار شده‌اند تا بتوانند خود را از این بلای خانمانسوز نجات دهند و آن را ترک کنند، در این رابطه، روی سخن من با متمولین خیرخواه و وطن‌پرست میهنم می‌باشد که به صورت فردی یا گروهی در شهرها، مراکز توانبخشی و ترک اعتیاد دایر نمایند و امکانات درمانی و روان‌درمانی در این مراکز برای بیماران فراهم نمایند، پزشکان متخصص در این زمینه و متخصصین جامعه‌شناسی ضروری است که برای موفقیت این فرایند با این مراکز



پیام مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران

به مناسبت روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

همکلاسیمان، کودکان و عزیزانمان به دلیل مصرف مواد مخدر شمع وجودشان ذره ذره آب می‌شود و به تبع آن، زندگی خانواده‌هایشان را نیز به ورطه‌ی تباهی و نابودی می‌کشانند، این بلا مانند آتش، جامعه‌مان را در بر گرفته است و نه تنها اکنون، بلکه آینده‌ی جامعه‌مان را به سوی ویرانی و سیاه‌بختی سوق می‌دهد. حکومت هم که وظیفه‌ی پاسداری از جوانان را به عنوان

شناخته شده هستند، می‌توان گفت که آنها بدون هیچ‌گونه ترس و نگرانی از دستگیری و مجازات، این عمل زشت را انجام داده و ادامه می‌دهند.

این اقدام رژیم سبب شده است که تعداد معتادان به مواد مخدر به‌ویژه در میان جوانان، روز به روز افزایش یابد که این امر موجب نگرانی‌های بسیاری از خانواده‌ها شده است.

رئیس پلیس به اصطلاح مبارزه با مواد مخدر استان کردستان، صحبت از ۲۱ هزار نفر معتاد به مواد مخدر در این استان کرده است. با این وجود، "سردار نوروزی" یکی از مسئولین مبارزه با مواد مخدر می‌گوید: "کردستان پس از ایلام پاکترین استان در رابطه با مصرف مواد مخدر می‌باشد". براساس این گفته‌های مسئولین رژیم، اگر استان کردستان با وجود این تعداد معتاد پاکترین استان باشد، وضعیت استان‌های دیگر کردستان چگونه می‌تواند باشد؟

مردم آزادخواه کردستان!

روزانه در مقابل دیدگانمان، همسایه‌مان،

روزانه در مقابل دیدگانمان، همسایه‌مان، همکلاسیمان، کودکان و عزیزانمان به دلیل مصرف مواد مخدر شمع وجودشان ذره ذره آب می‌شود و به تبع آن، زندگی خانواده‌هایشان را نیز به ورطه‌ی تباهی و نابودی می‌کشانند، این بلا مانند آتش، جامعه‌مان را در بر گرفته است و نه تنها اکنون، بلکه آینده‌ی جامعه‌مان را به سوی ویرانی و سیاه‌بختی سوق می‌دهد.

هم‌میهنان ارجمند!

خواهران و برادران گرامی!

آسیب‌های بسیار گسترده‌ی مصرف مواد مخدر در اقصی نقاط جهان و ترس و نگرانی جامعه‌ی بین‌المللی از این بلای خانمانسوز موجب تشکیل کنفرانسی بین‌المللی به منظور مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، از تاریخ ۱۷ تا ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ میلادی (۲۷ خردادماه تا ۵ تیرماه ۱۳۶۶ هجری) در شهر وین پایتخت اتریش گردید. در این کنفرانس، سندی مورد توافق قرار گرفت که بر اساس آن، راهکاری فراگیر در رابطه با کنترل مواد مخدر، از جانب کشورهای شرکت‌کننده در این کنفرانس به تصویب رسید که آنها را موظف به انجام اقدامات جدی بین‌المللی جهت مبارزه با قاچاق مواد مخدر کرد. این سند در روز ۲۶ ژوئن برابر با ۵ تیرماه به امضا رسید و از آن پس، این روز به عنوان روز جهانی مبارزه با مواد مخدر تعیین شده است.

حکومت ایران علیرغم دریافت مساعدت مالی چشمگیر از جانب سازمان ملل متحد به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر، خود یکی از شبکه‌های مبادله‌ی این مواد و توزیع آن در داخل ایران با هدف پیشبرد برنامه‌ای سیاسی می‌باشد، به گونه‌ای که سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، این وظیفه را بر عهده دارد.

در همین رابطه، روزنامه‌ی تایمز اعلام کرده است که سپاه پاسداران از طریق قاچاق مواد مخدر، سالانه میلیاردها دلار درآمد کسب می‌کند. همچنین یکی از مسئولین جمهوری اسلامی به روزنامه‌ی تایمز گفته است که یکی از اهداف سپاه پاسداران از قاچاق مواد مخدر، ضربه زدن به کشورهای غربی است.

توزیع مواد مخدر در داخل ایران توسط سپاه پاسداران با هدف درهم شکستن شخصیت افراد انجام می‌گیرد، به گونه‌ای که همگی ما می‌دانیم در زندان‌های رژیم که تحت کنترل و نظارت شدید اداره‌ی زندان‌ها می‌باشند، مبادله و مصرف مواد مخدر به آسانی صورت می‌گیرد و چه بسیارند جوانان آزادخواه و شخصیت‌های سیاسی که در زندان‌های رژیم به این بلای خانمانسوز دچار شده‌اند.

این سیاست دهشتناک و ضد بشری به‌ویژه علیه ملت‌هایی به کار برده می‌شود که جوانان آنها حس ملی‌گرایی نیرومندی دارند و برای رسیدن به مطالبات آزادخواهانه‌ی ملتشان مبارزه می‌کنند. یکی از این ملت‌ها، ملت کرد است که چند سالیست هدف این آزمایش دشوار و خانمانسوز قرار گرفته است. در همین رابطه، شرایطی را فراهم ساخته‌اند که مواد مخدر به آسانی در نقاط مختلف کردستان در دسترس باشد، توزیع‌کنندگان این مواد که عوامل رژیم می‌باشند، هم برای اکثریت مردم و هم بدون شک برای مسئولین رژیم

برای جلوگیری از گرایش جوانانمان به مصرف مواد مخدر و دچار شدن آنان به این بیماری و معالجه‌ی بیماران (معتادان)، آستین همت را بالا بزنیم و خودمان، دست به کار شویم.

همکاری نمایند.

همکاری و مشارکت در این رابطه، از نظر اخلاقی، ملی و دینی وظیفه‌ی همه ماست. مطلبی که باید به آن اشاره کنم، این است که در این بخش و در معالجه‌ی معتادان لازم است به فرد معتاد به عنوان یک بیمار نگریسته شود نه یک مجرم و به جای اینکه آن‌ها را از خود دور کرده و گوشه‌نشین نماییم و در این زندگی که در حقیقت مرگی تدریجی و فاجعه‌بار است، تنها رهایشان سازیم، از لحاظ روانی و درونی، آنها را یاری نماییم تا بتوانند خود را از این بیماری نجات داده و ترک نمایند.

اطمینان دارم که اگر هرکس در این رابطه، وظیفه‌ی خود را به نحو احسن انجام دهد، بسیاری از این بیماران معالجه می‌شوند و تعداد کمتری هم دچار این بیماری خواهند شد و در نتیجه، جامعه‌ای سالم‌تر، زنده‌تر و پویاتر خواهیم داشت، باشد که همه‌ی ما افتخار مشارکت در بنیان نهادن چنین جامعه‌ای را نصیب خود گردانیم.

سپاسگزارم

مصطفی هجری

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران

۴ تیرماه ۱۳۹۲ خورشیدی

می‌باشد که لازم است هر دو بخش به موازات یکدیگر انجام یزدرد: بخش اول: شامل پیشگیری و آگاه نمودن آحاد جامعه به ویژه جوانان و نوجوانان می‌باشد که در این رابطه نیروهای بسیاری می‌توانند مفید واقع شوند:

معلمین و اساتید دانشگاه‌ها که قشر آگاه، دانا و مسئول در جامعه‌ی ما هستند، شفاف‌سازی و آگاه نمودن جوانان در کلاس‌های درس و محیط کارشان را به عنوان وظیفه‌ای خطیر بنگرند و جوانان را نسبت به آسیب‌های مواد مرگبار و فاجعه‌بار هوشیار نمایند.

پدران و مادران به شیوه‌ای مناسب، رفتار فرزندان و دوستان آنان را زیر نظر داشته باشند، به ویژه در تعطیلات تابستان که مدارس تعطیل می‌باشند و اکثریت دانش‌آموزان و دانشجویان بیکارند و امکانات تفریحات سالم و سرگرمی و سیری نمودن اوقات فراغت در شهرها و روستاها وجود ندارد یا بسیار کم است، ضروری می‌نماید که پدران و مادران تلاش نمایند که در تعطیلات تابستان، فرزندان خود را به کارهای مفید و سازنده بر حسب امکانات خود مشغول نمایند.

علمای دینی میهن‌دوست در مساجد

سرمایه‌های گرانبهای جامعه، به عهده دارد، به شیوه‌ای سیستماتیک از این پدیده برای از بین بردن زمینه‌ها، پتانسیل و توانایی‌های مبارزه‌ی آزادخواهانه‌ی ملت کرد استفاده می‌کند.

بنابراین، نباید چشم انتظار یافتن راه نجات ملتمان از این مشکل بزرگ توسط رژیم باشیم بلکه برای جلوگیری از گرایش جوانانمان به مصرف مواد مخدر و دچار شدن آنان به این بیماری و معالجه‌ی بیماران (معتادان)، آستین همت را بالا بزنیم و خودمان، دست به کار شویم.

تمامی آحاد ملت کرد در این‌باره مسئولیت دارند و موظفند که بر حسب تواناییشان، به پیشبرد این فرایند کمک نمایند، زیرا در غیر این‌صورت، فرزندان و جوانانمان که سرمایه‌های امروز و فردای وطنمان هستند، ما را نخواهند بخشید، اگر در این امر، از خود گذشتگی نداشته باشیم در آینده جامعه‌ای ایستا، بیمار و مرده خواهیم داشت، بنابراین اگر یک روز زودتر دست به کار شویم، جان چند جوان را نجات داده‌ایم و زیربنای جامعه‌ی زنده و پویای آینده را که فرزندان امروزمان خواهند ساخت، محکم‌تر ساخته‌ایم.

این وظیفه‌ی خطیر شامل دو بخش

نگاهی اجمالی به انتخابات اخیر

آسو صالح

در این نوشتار تلاش می‌شود که به دو سؤال در زمینه‌ی انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایران و نتایج آن پاسخ داده شود. با کنار گذاشتن تئوری "توهم توطئه" و با مشاهده‌ی واقعیات جمهوری اسلامی، نگارنده معتقد است که این انتخابات در راستای رسیدن به هدف "حماسه‌ی ملی" که علی خامنه‌ای آن را مطرح کرد، مهندسی شده بود.

لازم است در ابتدا این نکته ذکر شود که باید در آمارهای منتشر شده از سوی رژیم شک کرد. ولی با توجه به این آمارها هم درصد قابل توجهی از مردم (نزدیک به نصف)، به صورت "آگاهانه" انتخابات را تحریم کرده‌اند و این تعداد بسیار بیشتر از افرادی است که "آگاهانه" و با هدف "تغییر" به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند.

۱- چرا گفته می‌شود که این انتخابات مهندسی شده بود؟ چه دلایلی وجود دارند؟

اصولا مهندسی انتخابات، بدین معناست که تمام قواعد بازی و نتیجه از ابتدا توسط رژیم تعیین می‌شود. مهندسی انتخابات امر تازه‌ای در رژیم جمهوری اسلامی نیست و ریشه در تاریخ و چگونگی تثبیت پایه‌های آن دارد. رژیم که از ابتدای روی کار آمدن در سال ۵۷، با توجه به ماهیت خود با بحران‌هایی مواجه بود، همواره با دیدی امنیتی به تمام موارد می‌نگرد. از سیستم آموزشی و ترافیک گرفته تا انتخابات. مهندسی‌های صورت گرفته گاهی نیز هزینه‌هایی برای رژیم در بر داشته‌اند، از جمله روی کار آمدن خاتمی، محمود احمدی‌نژاد و در نهایت اعتراضات صورت گرفته در سال ۸۸. این تجربه‌ها رژیم را به مهندسی "دقیق" انتخابات سوق داده است، به این معنی که با توجه به ابزارهایی که در اختیار دارد، بدون کمترین هزینه‌ای، به هدف اصلی خود دست یابد. فردی که رئیس‌جمهور می‌شود، با توجه به گذشته و ویژگی‌های شخصیتی‌اش، بخشی از هدف حاکمیت می‌باشد.

اما چه دلایل و قرائنی وجود دارد که انتخابات اخیر به صورت دقیق مهندسی شده بود؟

- اظهارات سران و رفتار حاکمیت پیش از انتخابات: در این زمینه می‌توان به اظهارات پی‌درپی خامنه‌ای مبنی بر "آزاد بودن انتخابات در ایران" و گله از کسانی که صحبت از "انتخابات آزاد" می‌کنند و تعیین هدف "حماسه‌ی ملی با مشارکت حداکثری مردم" از سوی ولی فقیه اشاره نمود که تا بدانجا پیش رفت که از "مخالفان نظام" هم خواست در انتخابات شرکت کنند.

- اقدامات انفجاری: مهمترین این اقدامات، رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی بود. این کار اتفاقا یکی از ابزارهای مهمی بود که در این مهندسی از آن بهره گرفته شد. بعد از رد صلاحیت رفسنجانی این فکر قوت گرفت که حاکمیت اجازه نخواهد داد حتی فرد به ظاهر منتقدی همچون هاشمی رفسنجانی (دوباره) وارد ساختار حاکمیت شود. بدین ترتیب بود که بسیاری از چهره‌ها و سازمان‌های اصلاح‌طلب از جمله مصطفی تاج‌زاده و جبهه‌ی مشارکت با صدور بیانیه‌هایی، به صراحت انتخابات را تحریم کردند.

اما چطور می‌توان این تناقض را پاسخ گفت که در حالی که چهره‌ای همچون رفسنجانی رد صلاحیت می‌شود، یک فرد به ظاهر اصلاح‌طلب اجازه می‌یابد که در رأس قوه‌ی مجریه قرار گیرد؟ این در حالیست که روحانی یکی از چهره‌های نزدیک به هاشمی رفسنجانی می‌باشد!

یکی از پاسخ‌ها به این پرسش معطوف به هدف "مهندسی انتخابات" می‌باشد. ورود هاشمی رفسنجانی پس از هفته‌ها بحث، با درخواست‌هایی از سوی افراد

یا سازمان‌هایی همراه شد. اما آمدن رفسنجانی اگرچه ممکن بود برای بخشی از جامعه یک تاکتیک تلقی می‌شد، ولی نباید چهره‌ی نه چندان خوشایند وی را در میان اکثریت مردم از یاد برد. تأیید صلاحیت وی اگرچه باعث رأی دادن بخشی از جامعه می‌شد، ولی هیچگاه نمی‌توانست موجی را که حاکمیت در انتظار آن بود، میان مردم

و حتی بخشی از اپوزیسیون مهیا سازد. یکی از دلایل رد صلاحیت وی، توجیه رد صلاحیت‌های صورت گرفته بود، از جمله رد صلاحیت مشایی، فلاحیان و بسیاری از افرادی که زمانی بخشی از رژیم بودند. بدین ترتیب، رفسنجانی رد صلاحیت شد و این اقدام انفجاری شوکی ایجاد کرد که در نهایت و با تأیید صلاحیت روحانی و عارف و سپس کنار رفتن عارف، به "امید برای تغییر با ابزار انتخابات" میان بخشی از مردم انجامید. چند درصدی که آگاهانه به روحانی رأی داده‌اند، از این دسته‌اند. این عده میان طبقه‌ی متوسط جامعه و برخی فعالین مدنی هستند که به ابزارهای رسانه‌ای نیز دسترسی دارند، بحث‌های ایجاد شده در زمینه‌ی انتخابات حتی میان بخشی از اپوزیسیون از همین‌جا سرچشمه می‌گیرد.

- اقدامات انتحاری: به این معنی که مهندسی این بار انتخابات با هدف چندپارگی جبهه‌ی اصولگرایان و عدم شرکت با یک نماینده‌ی واحد در انتخابات همراه بود. اصولگرایان که از ماه‌های قبل لیست‌های مختلفی داده بودند و همه بر ارائه‌ی کاندیدای واجد شرایط متفق‌القول بودند، ولی در انتخابات با چند کاندیدا شرکت کردند. حتی تا شب قبل از انتخابات این شبهه را باقی گذاشته بودند که برخی از کاندیداهای آنها به نفع یکی عقب‌نشینی کنند، اما به جز کناره‌گیری حداد عادل، کاری صورت نگرفت. برخی

چطور می‌توان این تناقض را

پاسخ گفت که در حالی که

چهره‌ای همچون رفسنجانی

رد صلاحیت می‌شود، یک

فرد به ظاهر اصلاح‌طلب

اجازه می‌یابد که در رأس

قوه‌ی مجریه قرار گیرد؟

این در حالیست که روحانی

یکی از چهره‌های نزدیک

به هاشمی رفسنجانی

می‌باشد. یکی از پاسخ‌ها

به این پرسش، معطوف به

هدف "مهندسی انتخابات"

می‌باشد.

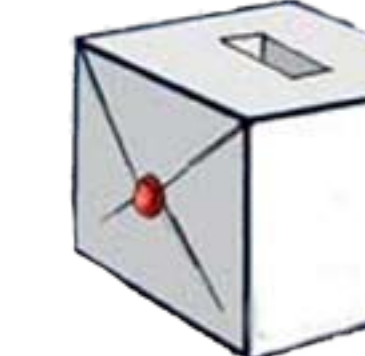
کشور به سطح فراتری نرفت. زمانی که خاتمی رئیس‌جمهور شد، روابط ایران و غرب دوباره در شرایط بسیار بحرانی بود. دادگاه میکنونوس رأی خود را اعلام کرده بود و برخی از کشورهای غربی سفرای خود را از تهران فرا خواندند. خاتمی در تبلیغات انتخاباتی خود سخن از رابطه با آمریکا مطرح کرد. وی سپس رئیس‌جمهور شد و روابط تا حدی به حالت عادی بازگشت. هم‌اینک نیز یکی از بحران‌های اساسی رژیم، بحران در روابط خارجی و دیپلماتیک آن است که وجود فرد میانه‌روی چون روحانی می‌تواند آن را برای مدتی تسکین بخشد.

- حذف احمدی‌نژاد و جریان انحرافی با این هدف که تمام مشکلات اخیر(چه داخلی و چه بین‌المللی) به این عده برمی‌گردد: طی سال‌های اخیر به ویژه پس از اعتراضات سال ۸۸، مشروعیت حاکمیت چه در داخل و چه در سطح بین‌المللی دچار چنان بحرانی شده بود که لازم بود به نوعی این مشروعیت به ویژه در سطح بین‌المللی دوباره ترمیم گردد. همزمان تحریم‌ها و ناکارآمدی دولت احمدی‌نژاد در زمینه‌ی اقتصادی باعث شده است که رژیم یکی از جدی‌ترین بحران‌های اقتصادی در تاریخ خود را تجربه کند. اقداماتی از قبیل هدفمند کردن یارانه‌ها، تأخیر در تقدیم لایحه‌ی بودجه و انحلال برخی سازمان‌های کلیدی از جمله سازمان برنامه و بودجه، همگی بر عمق این بحران افزودند. بحران‌های دیگر از جمله بحران در زمینه‌ی دیپلماتیک و مسأله‌ی هسته‌ای، انگیزه‌هایی بودند که رژیم تمامی آنها را به دولت احمدی‌نژاد و اقدامات وی نسبت دهد. رژیم با "مهندسی دقیق انتخابات" قصد داشت که به این هدف برسد.

- یکدست کردن حاکمیت با سهم کردن بخشی از اصولگرایان اصلاح‌طلب که پشت هاشمی رفسنجانی و روحانی ایستاده‌اند. وجود انشقاق داخلی در جمهوری اسلامی امری واضح و مبرهن می‌باشد. این امر به ویژه طی سال‌های اخیر شدت گرفته و علنی‌تر شده است. روحانی می‌تواند تعادل دو جناح رقیب در چپ و راست رژیم یعنی "اصلاح‌طلبان و اصولگرایان با تمام زیرشاخه‌هایشان" را در دستور کار خود قرار دهد و دوباره در شکل‌گیری "خانواده‌ی انقلاب" مؤثر باشد.

این هدف می‌تواند خود در راستای اهداف دیگری باشد، از جمله اینکه برخی از صاحبزنان معتقدند که ایران با این کار، خود را برای رویارویی نظامی آماده می‌کند. اگرچه جمهوری اسلامی ایران هم‌اینک در حال جنگ نیست، ولی در وضعیت جنگی است، یعنی از نظر دیپلماتیک و اقتصادی و فشار بر مردم، شرایطی همچون سال‌های جنگ هشت‌ساله بر آن حاکم است. این تحلیل بر این اصل استوار است که رژیم برای عبور از این بحران‌ها و در واقع توجیه این وضعیت، به یک جنگ (رویارویی نظامی) نیاز دارد. روحانی به عنوان یک فرد میانه‌رو در ظاهر، نزد برخی از کشورهای غربی و کشورهای منطقه از موقعیت بهتری برخوردار می‌باشد، بدین ترتیب، وی دارای این پتانسیل هست که در صورت بروز این رویارویی نظامی، پیش از اینکه شرایطی همچون عراق یا لیبی تکرار شود، به آن خاتمه دهد.

از چهره‌های اصولگرایان شکست خود را از "اصلاح‌طلبان" به این امر نسبت می‌دهند. این امر در چارچوب "مهندسی انتخابات"، به ظاهر شکست اصولگرایان (و نه پیروزی اصلاح‌طلبان) را توجیه می‌کند.



- اقدامات ابتکاری: از جمله پیش کشیدن بحث تغییر قانون ریاست جمهوری و انتخابات، همزمان کردن انتخابات شوراهای شهر و روستا با انتخابات ریاست جمهوری، تأیید صلاحیت شمار زیادی از کاندیدها، دادن اجازه‌ی فعالیت به برخی نهادها که پیشتر غیرقانونی اعلام شده بودند، به ویژه در انتخابات شوراهای.

۲- چرا رژیم انتخابات را مهندسی کرد؟ باتوجه به بحران‌هایی که امروزه رژیم با آنها گریبانگیر است، چند هدف را می‌توان برشمرد که رژیم از "انتخاب روحانی" و "اعلام حضور گسترده‌ی مردم در انتخابات" دنبال می‌کرد:

- عقب‌نشینی احتمالی در برابر فشار تحریم‌ها و اعتراضات مردمی در کنار خواست حل مسأله‌ی هسته‌ای: اگر تاریخ جمهوری اسلامی را مرور کنیم، می‌بینیم که وقتی روابط دیپلماتیک رژیم با غرب دچار بحران می‌شود، یک فرد میانه‌رو رئیس‌جمهور می‌شود. زمانی که هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور شد، روابط ایران و غرب در شرایط بسیار بحرانی بود. برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، سفیر خود را مدتی بود که از تهران فرا خوانده بودند. با آمدن هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور، سفیر فرانسه به تهران بازگشت، در حالی که میرتان (رئیس‌جمهور فقید فرانسه) خود را برای سفر به تهران آماده می‌کرد، شاپور بختیار در پاریس ترور شد و روابط دو

آیا

در پی انقلاب هستید؟

رضا فتح‌الله‌نژاد

"دیوید روزکوف" مقاله‌ای تحلیلی تحت عنوان "شما می‌گویید انقلاب می‌خواهید؟" درباره‌ی انقلاب و خیزش‌های بهار عربی و تظاهرات مردم در کشورهای ترکیه و برزیل نگاشته که در سایت "سیاست خارجی" منتشر شده است. ایشان در ابتدا این خیزش‌ها را با انقلاب‌های ۱۸۴۸ اروپا مقایسه می‌کند و می‌نویسد: "اینکه بسیاری از اعتراضات جهان عرب و سایر مناطق که اخیرا توسط جنبش‌های مدنی برپا شدند، بنا به هر تعریف منطقی، هنوز تحت امر طبقه‌ی متوسط نیستند به کنار، اما تحلیل آنها یک بعد ویژه و مهم را نشان می‌دهد: انقلاب‌های ۱۸۴۸ در ایجاد تحولات سریع و واقعی شکست خوردند. آنها در ساقط کردن مؤسسات موفق بودند و دستاوردهای درازمدت غیرقابل اغماضی داشتند، اما به طور کلی به یک دلیل مهم شکست خوردند: انقلابیون در سازمادهای اعتراضات موفقتر بودند تا در سازمادهای جنبش و ارائه، ایجاد و قدرت بخشیدن به رهبرانی که بتوانند مؤسسات را مدیریت کنند".

نگارنده سپس به انقلاب آمریکا و دلایل موفقیت آن اشاره می‌کند که به ویژه تأسیس مؤسسات حاکمیت و نهادینه کردن سیستم انتقال قدرت می‌باشد. سپس می‌نویسد: "به برخی از خیزش‌های عمومی اخیر که در دو دهه‌ی اخیر به تصوراتمان شکل بخشیده‌اند، نگاه کنید. میدان تیانانمن، خیزش‌هایی که منجر به سقوط اتحاد جماهیر شوروی شدند، جنبش سبز در ایران، میدان تحریر، انقلاب‌های لیبی، تونس و سایر کشورهای عربی، میدان تقسیم. در هر یک از آنها، حتی آنهایی که انقلاب به تحولات قابل توجه منجر شده است، تظاهرکنندگان خیلی کم در میان آنهایی دیده می‌شوند که بیشترین سود را برده‌اند".

نویسنده به تغییر مسیر این انقلاب‌ها اشاره می‌کند و به ویژه با ارائه‌ی نمونه‌هایی از خیزش‌های کشورهای عربی استدلالش را تقویت می‌کند. او بر این اعتقاد است که دوران کنونی و به خصوص با دستیابی مردم به ابزارهای ارتباط جمعی، معترضان به آسانی و به سرعت می‌توانند تظاهرات برپا کرده و به دور همدیگر گرد آیند، اما اگر دارای "رهبرانی واقعی، دستور کار مشخص، نهادهای سیاسی نیرومند و برنامه‌ی مؤثر جهت پیاده کردن ارزش‌هایشان در زمان به دست گرفتن قدرت نباشند" شکست خواهند خورد.

نویسنده در پاراگراف آخر معتقد است که راه حلی برای جلوگیری از این شکست‌ها وجود دارد و می‌نویسد: "تظاهرات آسان است. تحولات بعدی دشوار است. آنهایی که در جهان عرب و سایر مناطق امیدوارند تحولی ایجاد شود، باید بر تعلیم اپوزیسیون در بازی درازمدت "به دست گرفتن و تحکیم قدرت و اهمیت دادن کمتر به حرف‌هایی که روزانه از "CNN" و "Twitterverse" تکرار می‌شوند"، تمرکز کنند.

منبع:

ForeignPolicy.com

آیا روحانی ساقی جام زهر است؟

سلام اسماعیل‌پور

بیرون آمدن نام حسن روحانی از صندوق‌های رأی انتخابات ریاست جمهوری رژیم، در هفته‌های اخیر یکی از مهمترین خبرهایی بود که در کانون توجهات رسانه‌های بین‌المللی در رابطه با ایران قرار گرفت. صرف نظر از تمامی جوانب این رویداد و پیامدهای داخلی و خارجی آن، آنچه‌که شاید بتوان آن را وجه مشترک و پیام کلی این نمایش انتخاباتی دانست، تأکید همگان و حتی اعتراف سران و مقامات رژیم و جناح‌های گوناگون آن به ناکارا بودن سیاست‌های تاکنونی رژیم و پذیرش وضعیت بحرانی و آشفته‌ی آن در داخل و خارج از کشور بود. استقبال اکثریت رأی‌دهندگان از شعارهای روحانی، تحریم انتخابات توسط بخش‌هایی از مردم، همزمانی این نمایش با انتخابات شوراهای شهر و روستا، هراس پیشاپیش رژیم از تکرار رویدادهای ۸۸، التماس خامنه‌ای از مخالفان رژیم برای نجات کشور (و در واقع رژیم) و غیر قابل دفاع بودن سیاست‌های کلان و استراتژیکی همچون مسأله‌ی هسته‌ای و روند مدیریت آن در منازرات کاندیداها، از جمله علائم نشاندهنده‌ی بحران و اعتراف همگانی به شکست سیاست‌های رژیم در تمامی عرصه‌ها بود. رژیم عمق فلاکت و درماندگی خود در برابر امواج خردکننده‌ی فشارهای داخلی و بین‌المللی را پذیرفته و علیرغم رجزخوانی‌های بی‌بشتوانه‌ی خامنه‌ای و اطرافیانش، در تحلیل نهایی خود بدین نتیجه رسید که بهتر است وخامت اوضاع خویش را پذیرفته و متناسب با شرایط حساس موجود گام بردارد، شرایطی که نشان می‌داد نه اوضاع داخلی کشور و نه جایگاه و موقعیت بین‌المللی رژیم در سال پیش‌رو، پذیرای سیاست‌های فعلی رژیم نخواهد بود که نماد و تجلی آن در نظر رأی‌دهندگان و ناظران بیرونی، تبلیغات و برنامه‌های نامزدهایی همچون جلیلی بود. از این منظر است که می‌بینیم خامنه‌ای علیرغم تصویر دروغینی که ذوب‌شدگان ولایت از صلابت و هیبت خارق‌العاده‌ی وی ترسیم کرده‌اند، برای نخستین بار از



رد صلاحیت‌شدگانی همچون رفسنجانی و رحیم‌مشایی دلجویی نموده و از آنان بابت سکوتشان تشکر می‌کند و یا دست تضرع به سوی کسانی دراز می‌کند که به گفته‌ی خود وی، مخالف جمهوری اسلامی هستند و می‌پذیرد که کشور (رژیم) در خطر است.

اگر خامنه‌ای و دستگاه پیچیده‌ی سیاست‌گذاری رژیم همان روال سیاست چند سال اخیر را تعقیب می‌کردند، طبیعتاً نباید به نامزدهای اصولگرای تحت امر خویش اجازه می‌دادند که با تعدد خویش زمینه‌ی پراکندگی آرای اردوگاه اصولگرایان را فراهم آورند. از سوی دیگر، در شرایطی

که تنها با تقلبی کمتر از یک درصدی در شمارش آرا، کار به مرحله‌ی دوم و حذف احتمالی روحانی می‌کشید، بانیان تقلب بزرگ ۸۸ این اجازه را به روحانی دادند که کلید خیابان پاستور را به گردن بیاویزد و حتی از سوی برخی از اصولگرایان زمزمه‌هایی شنیده می‌شود مبنی بر این که این‌بار رژیم با تقلبی ۷ درصدی به نفع روحانی، عملاً مهر تأییدی بر سخنان او مبنی بر نیاز رژیم به تغییرات تاکتیکی در صورت ظاهر گفتمان سیاسی آن زده و در واقع، روحانی محصول نیاز رژیم به نوشیدن یا تظاهر به سرکشیدن شوکران شکست بوده است.

این انتظاری است که این روزها جامعه‌ی بین‌المللی، کشورهای عضو ۵+۱، ائتلاف دوستان سوریه، جهان غرب، آمریکا و اسرائیل از "شیخ دیپلماسی" رژیم دارند، در داخل کشور نیز طیف‌های گوناگونی از مردم (به‌ویژه رأی‌دهندگان) توقعاتی از روحانی دارند که برآورده نمودن آن‌ها در حکم پذیرش سوء مدیریت و نادرستی سیاست‌های گذشته خواهد بود. حتی انتظار خامنه‌ای و باندهای سیاسی و امنیتی رژیم از روحانی نیز سروسامان دادن به وضع آشفته‌ی اقتصادی از طریق رفع تحریم‌ها، کاهش فشارها و کسب وجهه و حیثیتی در خارج برای جمهوری اسلامی است، امری که منوط به سرکشیدن لاجرعه‌ی جام‌های زهر پیاپی در سوریه، فلسطین، شورای امنیت، شورای حکام آژانس، عربستان، بحرین، عراق و ... است و سرکشیدن این جام‌ها کار رهبر رژیم است، نه رئیس جمهور آن که در بهترین حالت، تنها می‌تواند نقش ساقی را برای وی ایفا کند. خامنه‌ای از نقش روحانی در فریب کشورهای غربی در مذاکرات اتمی گذشته آگاه بوده و نمی‌خواهد از این پتانسیل موجود برای تداوم فریبکاری‌های اتمی و خرید زمان تا رسیدن به قله‌ی اوج برنامه‌ی اتمی بی‌تفاوت بگذرد. از همین روست که ناگاه در سخنان وی رگه‌هایی از اشتراک نظر با روحانی بر سر این پرونده‌ی اتمی دیده می‌شود.

نکنه‌ی دیگری که وخامت وضع موجود را به اثبات می‌رساند، نامه‌ها و پیام‌های تیریکی است که از داخل و خارج دایره‌ی خودی‌های رژیم برای روحانی ارسال گردیده است.

از جمله‌ی این پیام‌ها، سخنان آیت‌الله دستغیب، نماینده‌ی مجلس خبرگان رژیم است، دستغیب می‌نویسد: "مجلس شورای اسلامی، قوه‌ی قضائیه و قوه‌ی مجریه اختیاری از خود نداشته و ندارند، شاید بتوان گفت در آن سه قوه تنها ۲۰ درصد کارها و مسائل مهم مملکت انجام می‌گرفت و برای ۸۰ درصد آن در جای دیگری تصمیم‌گیری می‌شود و نیز دخالت بسیج و سپاه که در هر کاری دخالت می‌کنند و مردم از این ناحیه ناراحت بوده و هستند".

دختران میرحسین موسوی و زهرا رهنورد نیز پیروزی وی را "نتیجه‌ای گوارا برای تلاش مردمی صبور، مقاوم و باگذشت" خوانده‌اند که این خود نشان از عمق مشکلات و نیاز رژیم به صبر و گذشت مردم در برابر آنهاست.

"جبهه‌ی مشارکت ایران اسلامی"، از جریانات اصلاح‌طلب رژیم نیز ضمن نام

کردستان

پردن از دولت روحانی به عنوان "دولت آشتی ملی" می‌نویسد: "انبوه مشکلات انباشته شده به حدی است که هیچ کس از شما انتظار معجزه و حل مشکلات در کوتاه مدت را ندارد... همه می‌دانیم ساختار حقیقی حکومت در کشور عزیز ما به گونه‌ای است که برآورده ساختن آمال مردم و اجرای کامل برنامه‌های شما را به طور مطلوب میسر نخواهد ساخت".

این اعتراف صریح به اصلاح‌ناپذیری "ساختار حقیقی حکومت در کشور عزیز ما" از سوی جریانی که در سالیان اخیر همواره سردمدار دمیدن در شیبور اصلاح‌طلبی و تکفیر ساختارشکنی و تلاش برای براندازی رژیم بوده، در نوع خود می‌تواند جالب و آموزنده باشد.

نمایندگان ادوار مجلس رژیم در خارج از کشور یا همان "اپوزیسیون خودساخته‌ی" رژیم نیز از روحانی خواسته‌اند که "با تدبیر و امید، قفل زندان و حصر و تبعید مخالفان و منتقدان (همفکران خودشان) را شکسته و سایه‌ی شوم جنگ و تحریم و خونریزی از ایران رفع شود".

تمامی این پیام‌ها نیز بیانگر هراس یکپارچه‌ی رژیم از وضعیتی است که در چند سال اخیر خود را گرفتار آن نموده، اما در عین حال با مبارزه‌طلبی دروغین و زدن لاف ابرقدرتی، این هراس خود را تا حدودی از انظار عمومی پنهان نموده بود. اینک همان خامنه‌ای که بارها صریحاً و تلویحاً گفته بود "ما در شرایط بدر و خیر هستیم، نه در شرایط شعب ابی‌طالب"، با بیرون کشیدن روحانی از صندوق و امید بستن به معجزه‌ی کلید سحرآمیز وی نشان می‌دهد که روحیه‌ی غالب در میان سردمداران رژیم نه آن قهر و غرور و صلابت ظاهری، بلکه جبن و هراس و دستپاچگی از وضعیت خودساخته و خودکرده‌ای است که تدبیر دیگری می‌طلبد و این تدبیر همان نوشیدن جام زهر یا تظاهر به نوشیدن آن، جهت کسب زمان و فریب افکار عمومی داخلی و قدرت‌های بین‌المللی است که لاجرم حاصل این جبن و هراس "تدبیرخوانده" همانا بیرون کشیدن حسن روحانی از صندوق شعبده‌ی انتخابات بود.

اینکه روحانی در مأمریت خود تا چه اندازه موفق عمل خواهد کرد، امری است که بستگی به میزان آمادگی رژیم و رهبر آن برای عقب‌نشینی‌های سریالی در برابر اراده‌ی دگرگونی‌خواهی توده‌های ناراضی در داخل و قدرت‌های طرف معامله با آن در عرصه‌ی بین‌المللی خواهد داشت.

نمایش مضحک انتخابات شوراها در کردستان

کردنشین، بار دیگر به شیوه‌ی نافرمانی مدنی در این انتخابات، اعتراض خویش را علیه سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی تکرار کردند. در این دوره از انتخابات شوراها در بیشتر شهرهای کردستان، به ویژه در استان‌های ارومیه، کردستان و کرمانشاه، افرادی بیشترین آرا را کسب کردند که از یک‌سو، مایه‌ی تعجب مردم و نگرانی دوستداران شهر و روستا و از سوی دیگر باعث خنده و مضحکه‌ی مردم شهر و روستا شدند. مردم به انتخاب خود و به عقل عالیجنابان رژیم که عاجز و ناتوان از حل مشکلات مملکت می‌باشند، می‌خندند. مردم کردستان با انتخاب چنین نامزدهایی، اعتراض خویش را علیه حاکمیت غیردمکراتیک جمهوری اسلامی ابراز کردند که از یک‌سو با شرکت اجباری مردم در انتخابات و از سوی دیگر با انتخاب افرادی نالایق، افکار عمومی کردستان را شوکه کردند. این شیوه از مبارزه‌ی مردم کردستان که به شیوه‌ی نافرمانی مدنی اجرا گردید، پیام اعتراض جنبش ملی _ دمکراتیک مردم کردستان ایران علیه سیاست‌های رژیم جمهوری اسلامی در کردستان است.

ضابطه، وجود رشوه و رشوه‌خواری، دزدی، وظایف و اختیارات شوراها را از محتوای واقعی تهی نموده است.

موضع مردم کردستان در این نمایش:

مشارکت مردم کرد در فرایندهای انتخاباتی در ایران، همیشه توأم با نوعی جدال و اعتراض به رژیم بوده است. به همین دلیل، رژیم همیشه درصدد تحمیل انتخابات بر مردم کردستان آن‌گونه که خود می‌خواهد، بوده است. رژیم برای مشارکت هر چه بیشتر مردم در چهارمین دوره‌ی انتخابات شوراهای شهر و روستا در کردستان با نیرنگ و فریب مردم و وعده‌های پوشالی، کمک مالی به بعضی از نامزدهای شوراها و ایجاد فضای احساسی در میان مردم، توانست برای رسیدن به هدف اصلی خود که مشارکت بیشتر مردم در این نماش مضحک بود، بخشی از مردم را به اجبار در انتخابات شوراها به پای صندوق‌های رأی بکشاند. این در حالیست که کردستان از ردیف توزیع بودجه‌ی کلان کشور برای رشد و توسعه‌ی همه جانبه‌ی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور محروم می‌باشد. به همین دلیل، مردم کردستان در واکنش به سیاست‌های رژیم در مناطق

اعضای آن را مردم انتخاب می‌کنند. شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و حدود وظایف و اختیارات و نحوه‌ی انتخاب و نظارت شوراهای مذکور و سلسله مراتب آن‌ها را که باید با رعایت اصول، وحدت ملی، تمامیت ارضی، نظام جمهوری اسلامی و تابعیت حکومت مرکزی باشد، قانون معین می‌کند".

همچنین در قانون وظایف و اختیارات شوراها که شامل ۲۴ ماده و ۹ تبصره می‌باشد، وظایف شوراها بدین شرح بیان شده است: «انتخاب شهردار برای مدت ۴ سال، بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی، نظارات بر حسن اجرای مصوبات شوراها، تصویب آئین‌نامه‌های شهرداری، تصویب درآمدها و هزینه‌های شهرداری، تصویب بودجه‌ی سالانه‌ی شهرداری، تصویب طرح‌های شهرسازی و ...

اما به علت عدم توانایی شوراها، عدم وجود افرادی متخصص در امور مدیریت شهری، عدم تخصص اعضای شوراها در اجرا و مدیریت شهری و تأثیرگذاری ارگان‌های دیگر در شهرداری‌ها، برتری رابطه بر

انتخابات در ایران و مشارکت در آن فاقد اعتبار می‌باشد.

اگر ماهیت ساختار شوراها برای اداره‌ی امور خدمات محلی بر پایه‌ی اداره‌ی غیرمتمرکز که از طرف مردم آن محل انتخاب می‌شوند، باشد، اما اکثریت نامزدهای شهرها و روستاهای کردستان، به علت عدم حضور نامزدهای متخصص در امور مدیریت شهری، در امور مدیریت شهری تخصص و آشنایی ندارند، لذا شوراها مرده، زاده می‌شوند.

وظایف و اختیارات شوراها در قانون و مقررات رژیم جمهوری اسلامی:

مدیریت شهر و روستا در چهارچوب بسته‌ی قانون و مقررات شوراها در رژیم جمهوری اسلامی بسیار محدود است. هر چند در اصل یکصد قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است که "برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی، اداره‌ی امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با نظارت شورایی به نام شورای روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان صورت می‌گیرد که

اجلاس قطر و دوستان سوریه



ن. کارن.جی.وی یانگ

ترجمه: معتصم نورانی

روز شنبه دوم تیرماه، بخش عمده‌ی حامیان بین‌المللی اپوزیسیون سوریه، در کنفرانس قطر موافقت کردند که "فورا" تمام مواد و امکانات لازم را برای مخالفان حکومت بشار اسد مهیا نمایند. این موافقت‌نامه اشاره نکرده است که چه نوع اسلحه و مهماتی روانه‌ی میدان جنگ شود یا چه نوع کمک‌هایی فرستاده شود، اما مقامات شرکت‌کننده در کنفرانس دوحه گفتند که: عربستان سعودی و قطر در حال حاضر به سرعت اعلام آمادگی کرده‌اند تا موشک‌های قابل عمل ضد هواپیما و ضد تانک و زره‌پوش تهیه کنند تا مخالفان بشار اسد آنها را بر ضد تانک‌ها و هواپیماهای حکومت سوریه در میدان نبرد به کار گیرند.

علیرغم ارائه‌ی یک سری وعده‌های هماهنگ‌کننده و افزایش کمک‌ها در ماه‌های اخیر، حامیان اپوزیسیون سوریه نتوانسته‌اند بر سر موضوعات به توافق کلی برسند و به خواسته‌هایشان جامه‌ی عمل ببوشانند، اما مخالفان اسد اصرار دارند که خواست‌های آنان باید در اسرع وقت تأمین شده و هم از لحاظ کمیت، هم از لحاظ کیفیت باید به آنها توجه شود. جان.اف.کری، وزیر امور خارجه‌ی آمریکا، بعد از یک نشست ۴ ساعته‌ی وزرای امور خارجه‌ی ۱۱ کشور غربی و خاورمیانه‌ی

گفت: "چیز متفاوتی امروز اتفاق افتاد زیرا شرایط حاکی از استفاده‌ی دولت سوریه از مواد شیمیایی علیه مخالفان است و حزب‌الله لبنان و شبه‌نظامیان ایران در سطح گسترده در جنگ داخلی سوریه شرکت دارند. ما تصمیم گرفته‌ایم و چاره‌ی دیگری نداریم، جز اینکه به مخالفان اسد کمک‌های بیشتری بکنیم تا توازن میدان عمل را تغییر دهیم".

اگرچه مخالفان، کمک‌های تسلیحاتی از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس تهیه کرده‌اند که طبق گزارش‌های رسیده شامل موشک‌های زمین به هوا هستند که از لیبی و از طریق قطر به دست آن‌ها رسیده است. مقامات گفتند که تصمیمات دوحه، به یک جریان هماهنگ مداوم بدل خواهد شد و باید اطمینان حاصل شود که این تسلیحات و کمک‌ها به دست اسلامگرایان تندرو نیفتند. مقامات کشورهای شرکت‌کننده در مورد بحث‌های سری و محرمانه و همچنین در مورد مشکلات مبهم آتی صحبت کردند.

یک مقام اروپایی روشن ساخت که تصمیم روز شنبه مانند یک "جواب کلی" بود در مقابل ناامیدی ژنرال سلیم ادریس، رئیس شورای عالی نظامی مخالفان، بعد از شکست‌های اخیر بود.

این اجلاس چهارمین نشست ۱۱ کشوری بود که گروه دوستان سوریه را تشکیل می‌دهند: ایالات متحده، فرانسه، بریتانیا، آلمان، ایتالیا، ترکیه، مصر، عربستان سعودی، قطر و امارات متحده‌ی عربی در

اجلاس امسال شرکت کرده‌اند. اما یک ماه پیش بطور آشکار، در آخرین نشست آن‌ها در عمان پایتخت اردن، وضعیت میدان نبرد تغییر کرد و در حال حاضر به نفع مخالفان نیست.

ابتدا فرانسه و بریتانیا و در اوایل این ماه آمریکا نیز گفتند که هرکدام جداگانه به این نتیجه رسیده‌اند که اسد از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است. پرزیدنت اوباما گفت، استفاده از سلاح‌های شیمیایی عبور از "خط قرمز" است. بنابراین، ایالات متحده مصمم است و کمک‌های تسلیحاتی به اپوزیسیون خواهد کرد. از این مهم‌تر، دخالت ایران و حزب‌الله شراره‌های ترس

از دامن زدن به این جنگ را چند برابر کرده است که جنگ داخلی سوریه از مرزهای این کشور فراتر رود و آتش آن تمام کشورهای منطقه را فراگیرد. تشدید مبارزات و افزایش تلفات انقلاب و همچنین برقراری مذاکرات صلح در تابستان امسال در انتقال حکومت پس از بشار اسد مؤثر است. موافقت‌نامه‌ی نشست، همصدا نبود و مقامات گفتند، آلمان که یک اقلیت کوچک را رهبری می‌کرد، مخالف تهیه‌ی سلاح برای مخالفان حکومت بود، زیرا معتقد بود که این وضعیت خشونت را بالا می‌برد و بجای اینکه جنگ مذهبی بین شیعه و سنی را در خاورمیانه کاهش دهد،

مسئولین رده‌بالای رژیم تحت تأثیر هژمونی ولایت فقیه



اگر نگاهی اجمالی به همه‌ی رؤسای جمهوری ایران داشته باشیم، آشکارا خواهیم دید که همه‌ی آنها پس از اتمام دوره‌ی ریاست‌جمهوری، آینده‌ای خیلی بهتر از بنی صدر نداشته‌اند و تقریباً همه‌ی آنها و حتی نزدیک‌ترین افراد به رهبر (خمینی و خامنه‌ای) خیلی آرام و گاه بی‌سر و صدا به حاشیه رانده شده و فقط بازنشستگی تقریباً درخوری نصیبشان شده است.

رفسنجانی که پس از خمینی به عنوان شخصیت اول رژیم محسوب می‌شد، پس از اتمام دوره‌ی ریاست‌جمهوری، یکی پس از دیگری، دیگر پست‌های حکومتی را از او سلب کردند و این به حاشیه راندن تا جایی پیش می‌رود که در آخرین دوره‌ی انتخابات از سوی شورای نگهبان رد صلاحیت می‌شود که در واقع، این رد صلاحیت از سوی رهبر نظام بوده است و با این عملکرد به جهانیان اعلام کردند، کسانی که با تمام توان حلقه به گوش ولی فقیه نباشند، جایی در مناصب رده‌بالای رژیم ندارند. در واقع بخش اعظمی از کارشناسان سیاسی، خاتمی را نیز ضامن تداوم قدرت رژیم می‌دانستند و حقیقتاً آنچه در توان داشت در راستای حفظ نظام و قدرت‌مداری خامنه‌ای به کار برد، فقط به خاطر اشاره کردن به اجرای تمام و کمال قانون اساسی که توسط خود رژیم تصویب شده است، مورد غضب رهبر قرار گرفت و غضب‌ها تا جایی پیش رفت که اعضای مجلس که سرسپرده‌ی ولایت فقیه هستند، در صحن علنی مجلس خواهان اعدام خاتمی رئیس‌جمهور، موسوی نخست‌وزیر دوران خمینی و کروبی رئیس مجلس شدند. جای تعجب این است که این کاندیداها و رؤسای جمهور حتی یک قدم هم از قانون اساسی منحرف نشده‌اند، بلکه تنها خواستار اجرای قوانینی هستند که مالا مال از تبعیض و تناقض با

تعاریف جهانی حقوق بشر است، اما فقط به این دلیل که چند بار انگشت‌شمار، نظری متفاوت با نظر رهبر را به زبان آورده‌اند، مورد غضب رهبر دیکتاتور و ضد بشری قرار می‌گیرند. خامنه‌ای در دوره‌ی دهم ریاست‌جمهوری، همه‌ی توان خود را به کار برد تا سرسپرده‌ترین فرد نظام را به عنوان رئیس‌جمهور اعلام کند و این هزینه کردن تا جایی پیش رفت که حتی اندک مشروعیتی را نیز که در میان حامیان داخلی و خارجی خود داشتند، قربانی خواسته‌های خویش نمود و این مسأله نزد شخصیت‌های سیاسی و عمومی به بحث داغ روز تبدیل شد. اما عجیب‌تر آن است که با وجود این‌ها و دست‌بوسی احمدی‌نژاد، سطح دخالت‌ها چنان گسترده و آشکار بود که حتی احمدی‌نژاد نیز از این مسأله به ستوه آمده و به مقابله پرداخت و به همین دلیل، خامنه‌ای بارها به صورت مستقیم و غیر مستقیم مخالفت خود را با او اعلام کرد. در نهایت اینکه، با در نظر گرفتن آنچه در تاریخ جمهوری اسلامی رخ داده، باید انتظار آینده‌ای بهتر از آن برای روحانی نیز نداشته باشیم و او نیز پس از اتمام دوره‌ی ریاست‌جمهوری، یا اینکه همچون خاتمی با کمترین اعتراض بازنشسته خواهد شد یا همچون رفسنجانی تا آخرین لحظات عمر در توهم بازگشت به قدرت خواهد ماند، اما بسیار ضروری می‌نماید، یادآوری کنیم که این، شخصیت‌های کرد و در رأس آنان، شهید "دکتر عبدالرحمان قاسملو" بود که در همان روزهای نخستین حکمرانی این رژیم، آینده‌ای مملو از بحران را پیش‌بینی کرده بود و با تحریم فرزندوم "آری" یا "خیر" برای جمهوری اسلامی، نشان داد که نظرات وی بازتاب عینی از حقیقت بوده و هستند.

عکس این قضیه را نشان می‌دهد که نمونه‌ی بارز آن رژیم به ظاهر "جمهوری" اسلامی ایران است.

براساس گفته‌های رهبر رژیم اسلامی ایران، انتخابات و رأی مردم ایران فقط برای مشروعیت بخشیدن به نظامی اسلامی و دیکتاتور است. کاندیداها و منتخبین نیز فقط مأمورانی برای هرچه بهتر انجام دادن وظایف محوله از سوی ولی فقیه و در واقع منتصب ولی فقیه می‌باشند. تاکنون یازده دوره‌ی انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران برگزار شده است و تنها در دوره‌ی نخست بود که تعداد کاندیداها از تعداد انگشتان دست فراتر رفت و توانستند در رقابت‌های ریاست‌جمهوری شرکت کنند. همه‌ی آنهایی هم که از فیلتر شورای نگهبان عبور کرده‌اند، حتی یک نفر هم به غیر از کسانی

چکو احمدی

رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر و رئیس پارلمان، همه‌ی این مسئولیت‌ها و مناصب حکومتی پدیده‌ای نوین در عصر جدید است و تاریخ پدیدار شدن آنها از چهار سده فراتر نمی‌رود. این مناصب دولتی و به ویژه ریاست‌جمهوری، برای انتخاب، معیاری مشخص دارند و معیار اصلی آن، اراده و رأی مردم است.

در نظام جمهوری واقعی و دموکراتیک، مسئولین این مناصب را از طریق انتخابات آزاد مشخص می‌کنند و شرکت کردن یا نکردن اکثریت مردم، موجب فشار دولت برای شرکت آحاد مردم نمی‌شود، اما در کشورهای دیکتاتورزده، این مسأله کاملاً

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

بازتاب

فاتح صالحی

دومین بیداری مصر

مردم مصر در تاریخ ۲۵ ژانویه سال ۲۰۱۱ میلادی، قیامی را آغاز نمودند و پس از چند ماه استمرار در اعتراض و تظاهرات و ایستادگی شجاعانه توانستند حسنی مبارک را وادار نمایند که در تاریخ یازدهم فوریه همان سال استعفای خود را از مقام ریاست جمهوری اعلام نماید. این قیام مردم مصر پس از اعتراضات و قیام مردم تونس، یکی از بزرگترین قیامهای قرن بیست و یکم تا به امروز بوده است. در نتیجهی این قیام، محمد مرسی رئیس حزب آزادی و عدالت که حزبی تأسیس شده از سوی اخوان المسلمین بود، در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۲، در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری، به عنوان پنجمین رئیس جمهور مصر بر اریکهی قدرت بنشیند.

اما سیاستهای نادرست محمد مرسی کاری کرد که در اولین سالگرد به قدرت رسیدن او و اخوان المسلمین، مردم مصر با حمایت ارتش آن کشور که خود را به عنوان حامی مردم معرفی نمود، نگذارند که مرسی و حزیش دومین شمع عمر ریاست جمهوری خود را برافروزند و در تاریخ سوم ژوئیه ی ۲۰۱۳، مرسی ناگزیر شد کاخ ریاست جمهوری را ترک نماید و قدرت از دست مرسی و اخوان المسلمین خارج شود.

این اقدام مردم مصر دربردارندهی چند پیام مهم برای مردم آزادخواه و به سئوه آمده از دست دیکتاتوری و استبداد است. نخست: مردم مصر نگذاشتند مرسی و حزیش دستاوردهای انقلاب سراسری مصر را برای خود قبضه نمایند و انقلاب را مصادره کنند. شاید در این رابطه، به نوعی از تجربهی دیگر کشورهای جهان، به ویژه انقلاب مردم ایران درس گرفتند که در سال ۱۹۷۹ میلادی، دستاوردهای انقلاب از سوی عدهای آخوند مصادره گردید.

دوم: مردم مصر آگاهانه و شجاعانه به دنبال مطالبات خویش رفتند و زمانی که واقف گشتند مطالباتو اهداف آنها از سوی حکومت مصر و دولت محمد مرسی و اخوان المسلمین، به سمت بیراهه می رود، جلوی این سیاست خودمحرانهای اخوان المسلمین و محمد مرسی را گرفتند تا بیشتر از این به بحرانهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گرفتار نشوند.

سوم: مردم مصر با این کار خود ثابت نمودند که هر انقلابی که صورت می پذیرد و رهایی حاصل می شود، الزاما نمی تواند آزادی را محقق سازد و اگر مردمی که انقلاب نموده اند، از انقلاب خود پاسداری نمایند، به سادگی دستاوردهای انقلابشان به تاراج می رود و اگر در اولین فرصت ممکن جلوی آن را نگیرند، آسیبهای جبرانناپذیری را به خود و جامعه اش وارد خواهند ساخت.

چهارم: مردم مصر این حقیقت را اثبات نمودند که اگر ارتش و سپاهی در جهت حفظ و حراست از شهروندان کشوری تأسیس شده باشد، هرگز به مطالبات و خواستهای مردم خویش پشت نخواهد کرد و همیشه به عنوان حامی مردم در صحنه حضور خواهد داشت.

شیر مادر امکان رشد اجتماعی را افزایش می دهد



بر اساس پژوهش های جدید در انگلستان، کودکانی که از شیر مادر تغذیه می کنند، امکان رشد آنان از لحاظ اجتماعی بیشتر است.

بر پایه ی این پژوهش، امکان رشد کودکانی که از شیر مادر تغذیه می کنند، ۲۵ درصد بیشتر است.

محققان ۱۷ هزار نفر متولد سال ۱۹۸۵ و ۱۶ هزار نفر متولد سال ۱۹۷۰ را مورد تحقیق قرار دادند و به منظور ارزیابی میزان رشد این افراد، وضعیت اجتماعی آنان در فاصله ی سنین ۱۰ تا ۱۱ و ۳۳ تا ۳۴ سالگی را مورد بررسی قرار دادند.

بر اساس این تحقیق، شیر مادر در رشد سلول های مغزی مؤثر است و ضریب هوشی را افزایش می دهد. همچنین پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که کودکانی که از شیر مادر تغذیه نمی کنند، علائم و نشانه های وجود استرس در آنان، بیشتر دیده می شود. طبق اظهارات دانشمندان، دلیل این امر، وجود چربی های اشباع نشده در شیر عنوان شده است که برای ساخت سلول های مغزی مورد استفاده قرار می گیرند.

موبایل جاسوس

دارد، پیگیری کرده است. در این شکایت گروهی، تقاضای پرداخت مبلغ یک میلیون یوان برابر با ۹۳۴ هزار دلار به عنوان غرامت برای هر یک از کاربران توسط شرکت اپل که مرکز آن در آمریکا می باشد، مطرح شده است. این بدان دلیل است که موبایل آیفون برنامه ای را در خود دارد که شرکت تولیدکننده ی آن می تواند از طریق آن بر کاربران خود نظارت داشته باشد و مؤسسه ی حقوقی کره ای چنین می پندارد که این اقدام، نقض حقوق کاربران می باشد و موجب ایجاد فشار روانی بر آنان می شود. این مؤسسه ی کره ای تلاش می نماید تا گروهی دیگر از کاربران آیفون را تا اواخر ماه آگوست برای بخش دوم این شکایت آماده نماید.



اطلاعات درباره ی افراد، بدون اطلاع آنان، ناقض قانون است و این شکایت را علیه شرکت "اپل" در راستای صیانت از حقوق کاربران پیگیری خواهیم کرد. میریلو اظهار داشت: این دادخواست را به نمایندگی از ۲۶ هزار و ۶۹۱ نفر از کاربران آیفون از طریق دادگاه بخش "جانگاون" که در جنوب سئول، پایتخت کره ی جنوبی قرار



یک مؤسسه ی حقوقی کره ی جنوبی که نماینده ی ۲۷ هزار کاربر موبایل آیفون می باشد، دادخواستی قانونی به صورت گروهی علیه شرکت "اپل" آمریکا تنظیم نموده و خواستار پرداخت غرامت به این افراد شده است. بر اساس این دادخواست، حقوق شخصی کاربران موبایل شرکت "اپل" نقض شده است. جمعیت خبری کره ی جنوبی به نقل از "لی جان چیرلی" وکیل شرکت "میریلو" اظهار داشته است که نسبت به پیگیری شکایت کاربران، مسئول است، زیرا جمع آوری

افزایش جمعیت انسان، زمین را تهدید می کند

وجود نیامده است. همزمان با افزایش جمعیت ساکنین زمین که اکنون در کشورهای توسعه یافته، این افزایش در خور توجه است، منابع طبیعی مانند آب آشامیدنی، خاک، رودخانه و جنگل ها در معرض خطر قرار گرفته اند. اگر بین میزان افزایش جمعیت و منابع طبیعی توازن وجود نداشته باشد و اوضاع به همین گونه پیش برود، بر اساس تحلیل های شبکه ی گلوبال فوترنت در سال ۲۰۳۰ انسان برای تأمین احتیاجات خود باید سیاره ی دیگری را برای ادامه ی حیات بیابد. "پرس لالوندی" دیپلمات فرانسوی و سازمان دهنده ی سازمان ملل متحد در برنامه ی توسعه ی انسانی می گوید که در سال ۲۰۳۰، یک میلیارد نفر به جمعیت زمین افزوده خواهد شد، بنابراین در آن زمان چگونه می توان امنیت غذایی را تأمین و خدمات مورد نیاز این میزان جمعیت را بدون نیاز به آب و زمین بیشتر فراهم نمود؟

تأمین مواد غذایی برای این جمعیت بسیار دشوار شده و بدون شک، اگر همان گونه که پیش بینی شده است، در سال ۲۰۵۰ جمعیت کره ی زمین به ۹ میلیارد نفر افزایش یابد، موضوع تأمین مواد غذایی برای این میزان جمعیت بسیار جدی تر خواهد بود و همان گونه که دانشمندان پیش بینی کرده اند، تنها انقلابی در عرصه ی استفاده از انرژی، آب و زمین می تواند از یک فاجعه ی بزرگ جلوگیری کند. "مالتوس" در سال ۱۷۹۸، افزایش تعداد ساکنان کره ی زمین نسبت به میزان تولید را پیش بینی کرده بود، اما تاکنون به دلیل پیشرفت تکنولوژی و کشاورزی، علیرغم افزایش جمعیت ساکنین زمین، مشکل حادی به

یک اقتصاددان انگلیسی، قرن ها پیش پیش بینی کرده بود که جمعیت کره ی زمین به حدی افزایش خواهد یافت که تهیه ی مواد غذایی برای این جمعیت مشکل خواهد شد. اکنون که جمعیت کره ی زمین به ۷ میلیارد نفر رسیده است،

